

گفت‌وگو با هادی سیف، مورخ نقاشی قهوه‌خانه‌ای و مؤلف «دانشنامه هنرهای مردمی ایران»

تمدنی در همسایگی هنر



۱۲

زندگی

«ویلیام کیسی» قرار بود ریشه انقلاب اسلامی را بزند
از دست ایران دق کرد!

ورزش

۵ گل و یک پاس گل برای «شهر خودرو»

شاگری؛ طلایی‌ترین تعویض لیگ



تعویض طلایی یحیی گل‌محمدی باز هم گل زد. یونس شاگری در این فصل به عنوان بازیکن تعویضی ۵ گل زده و ۱ پاس گل داده است. گل‌هایی که بیشتر آن‌ها هم سه امتیازی بود و امتیازات زیادی برای این تیم به همراه داشت. به گزارش ۹۰ یونس شاگری فصل را به عنوان نیمکت‌نشین استارت زده بود. او هفته نخست لیگ را کامل از روی نیمکت دنبال کرد و در هفته دوم هم تا بیست دقیقه پایانی مسابقه منتظر ورود به زمین بود. یحیی در نهایت شاگری را در دقیقه ۷۳ دومین مسابقه لیگ، به زمین فرستاد تا با گل دقیقه ۹۴، تعویض طلایی هفته لقب بگیرد. البته این گل باعث نشد که شاگری به ترکیب فیکس پدیده برسد و در هفته سوم هم او به عنوان تعویضی به زمین رفت. شاگری در ۱۵ دقیقه‌ای که بازی کرد...

فرهنگ و هنر

گفت‌وگو با یک پژوهشگر روان‌شناسی اجتماعی

مطالبه مردمی می‌تواند سلبریتی‌ها را مدیریت کند

به بهانه اعتراضات دانشجویی در جلسه نقد و بررسی «عصر جدید»

سلبریتی زدگی



سهمشده ۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۸
اربعشان ۱۴۴۰
شماره ۹ و ۹۰۹
شماره ۹۰۹ و ۹۰۹
ZENDEH@QUDSONLINE.IR

ورزش

پرسپولیس با شکست مقابل پاختاکور از جام باشگاه‌ها حذف شد

وداع تلخ نایب قهرمان با جام

نایب قهرمان مسابقات فوتبال آسیا و قهرمانان آسیا وداعی زود هنگام با این مسابقات داشت. پرسپولیس در دیداری پایاپای مقابل پاختاکور با نتیجه یک بر صفر شکست خورد تا عملاً از مسابقات حذف شود. این در حالی است که مردان برانکو آخرین بازی خود را باید مقابل السد که احتمالاً بازی خداحافظی زاری با دنیای فوتبال هم هست به شکلی تشریفاتی برگزار کنند. در این بازی برانکو تقریباً با همان ترکیب بازی با سپاهان به میدان رفت و از ربع خواهد در نبود شجاع در قلب دفاع استفاده کرد و عالی‌شاه از ابتدا در زمین قرار داد. سروش رفیعی البته جای رسن را گرفته بود. ازیک ها طبق انتظار تمام طراحی تیم ششان را بر عهده ماشاویوف از چپ گذاشته بودند و در تمام بازی از همین منطقه سرخ‌ها را تحت فشار قرار دادند. نیمه اول ازیک‌ها یک توپ را به تیر دروازه کوبیدند و پرسپولیس یکی دو فرصت نصف و نیمه را توسط عالی‌شاه و سروش از دست دادند. در نیمه مریان پرسپولیس‌ها سعی در دفاع منطقه ای و بازی با حوصله داشتند تا حداقل امتیاز را به دست بیاورند. ازیک‌ها هم حواس ششان به ضد حملات بود و همچنان سعی در عبور از کانال راست پرسپولیس توسط ماشاویوف داشتند. برانکو اولین تعویضی را با ورود بودیمیر به جای عالی‌شاه انجام داد و ترابی را به جای رفیعی به میدان آورد. این تغییرات شوک خوبی را به حریف وارد کرد و پرسپولیس تا آستانه گرفتن پنالتی هم پیش رفت که دوباره داور ادامه بازی داد...



«ویلیام کیسی» قرار بود ریشه انقلاب اسلامی را بزند

از دست ایران دق کرد!

مهم و بالای این سازمان کار می‌کرد. او در سال ۱۹۸۰ سرپرستی ستاد انتخاباتی رونالد ریگان رئیس‌جمهور پیشین آمریکا را برعهده گرفت و یک سال بعد با رئیس‌جمهور شدن ریگان، به ریاست «سیا» رسید.

پشه‌مالاریا
منتها هیچ‌کدام از مواردی که بالاتر گفتیم دلیل شهرت و ماندگاری نام او در دنیای جاسوس‌بازی و امور اطلاعاتی و همچنین شهرت در جهان سیاست نیست. کارشناسان معتقدند، ریاست «کیسی» بر سازمان «سیا» در واقع آغاز یک دوره جدید تاریخی در تشکیلات اطلاعاتی - امنیتی آمریکا بود. مفهومی که امروزه با عنوان «کودتای مخملی» از آن یاد می‌شود در واقع از جمله مفاهیم و اقداماتی است که جزو یادگارهای «کیسی» برای سازمان «سیا» به شمار می‌رود. با آغاز مدیریت او، «سیا» به سوی بازیابی در میانی جاسوسی و ضدجاسوسی دکتربین «براندازی نرم» رفت و نخستین تجربه‌اش هم طراحی مدل کلاسیک کودتای مخملی در نیکاراگوئه بود. این نوآوری جاسوسی حاصل نشست‌ها و ضداندیشی‌های سران دستگاه اطلاعاتی آمریکا و فرانسه بود. میمان خودشان نام رویکرد جدید را «پشه‌مالاریا» گذاشته‌ بودند.

لوک بدشانسی
در نخستین ماه‌هایی که رئیس سازمان «سیا» شد شاید فکر می‌کرد خوش‌شانس است که دوره

مجید تربت‌زاده: اعصاب برایش نمانده بود! اصلاً کار آخر را باید همین حالا انجام می‌داد. یکی دو طرح قبلی «ویلیام کیسی» هر کدام به دلایلی شکست خورده بودند و این بار باید کار ایران را یکسره می‌کرد. مأموریت را به تشکیلاتی سپرد که با پوشش شرکت بین‌المللی «پوگرین» در تگزاس فعالیت می‌کرد. «جیمز بیل» نویسنده کتاب «عقاب و شیر» می‌نویسد: یکی از نقشه‌های پرگرمین اجرای کودتا علیه ایران بود و برنامه قتل (ایتالله) خمینی نیز در آن گنجانده شده بود. «ویلیام کیسی» پروژه قتل (ایتالله) خمینی را خوب پیش می‌برد...



من و رونالد ریگان
«کیسی» قطعاً نه خاطرات خوشی از ایران داشته و نه نگاه مثبت یا واقع‌بینانه‌ای به ایرانی‌ها طبیعتاً ما هم با وجود همه دسته‌گل‌هایی که رئیس پیشین سازمان سیا در منطقه به آب داده و موجبات خرسندی‌مان را فراهم کرده، نمی‌توانیم حسن خوبی به جاسوس بزرگ آمریکایی داشته باشیم. البته اینکه او را جاسوس می‌نامیم و همین اول مطلب از شکست‌ها و گاف‌های اطلاعاتی و امنیتی‌اش حرف می‌زنیم سبب نشود فکر کنید با شخصیت پیش‌یافته‌ای در عالم جاسوسی طرف هستیم. «ویلیام کیسی» در رشته‌های حقوق و علوم سیاسی درس خوانده و در دوران ریاست جمهوری فرانکلین روزولت، ریاست نخستین تشکیلات جاسوسی آمریکا با نام اداره خدمات نظامی را بر عهده گرفته بود. این نظامی، قابلیت خود را در جنگ دوم جهانی نشان داد و از ابتدا تشکیلات موفق بود. از سال ۱۹۴۷ که سازمان «سیا» راه افتاد تا آغاز دهه ۱۹۸۰، «کیسی» همیشه در پست و مقام‌های

ربنا و رطب



... و انسان حبیب شماست!

رجب و شعبان و شیدایی و زیارت یار... نور پشت بند نور... خوشا به حالمن که مهربانی‌تان قهر ندارد، که وسط همه مجال‌ها باز مجال می‌دهید و بخشندگی می‌کنید حضرت دلیرا! فرشته‌ها را می‌فرستید زمین، پشت در خانه آمیزد! دنیا را به خلسه می‌کشاند. سایه سرمان می‌شوید... به میهمانی دوتومان می‌کنید. خوشا به حالمن که قاصدها می‌گویند: انسان حبیب شماست و سبوی خوب و بد، خوانده شده تا عرش... که مغفرت سرد می‌کند آتش هفت طبقه را... که ضیافت عاشقانه رمضان در راه است.

شاه عینی



ا گزارش سفر علی‌نور آبادی به معمولان لرستان

وقتی شاعرها بیل می‌زنند

با اینکه پیش از این، دو سه بار به لرستان سفر کرده بودم، اما اسم «معمولان» به گوشم نخورده بود. «معمولان» شهری ۸۰۰ نفره است در غرب لرستان، نرسیده به شهرستان پلدختر. اسم شهر را نخستین بار، تعطیلات نوروز در اخبار شنیدم و شنیدیدم! آن هم وقتی که سیل بخشی از آن را تخریب کرده و با خود برده بود.

پس از ۱۵-۱۰ سال خشکسالی در بیشتر مناطق ایران، باران‌های سیل‌آسا که از اواخر اسفند ۹۷ آغاز شده بود، همه را غافلگیر کرد. شدیدترین بارندگی‌ها در فارس، لرستان و خوزستان بود که خرابی‌های زیادی به بار آورد. در لرستان، پلدختر و معمولان که در حاشیه رودخانه کشکان قرار داشتند، بیشترین خسارت را از سیل دیدند. رودخانه آرام و بی‌سر و صدای دیروز، مانند اژدهایی هر کاری می‌توانست در این شهرهای بی‌دفاع کرده بود. بی‌دفاع‌تر از شهر، روستاهای منطقه بودند که برخی از آن‌ها به کل از روی زمین محو شدند. خوشبختانه ساکنان این مناطق به‌خاطر هشدارهای پیش از سیل، تخلیه شده بودند و تلفات جانی اندکی داشتیم.

۱۰ روز پس از سیل، در قالب «کاروان جهادی شاعران و نویسندگان» به معمولان می‌رفتیم برای کمک به سیل‌زدگان. این کاروان به همت مؤسسه شهرستان ادب راهی مناطق سیل‌زده می‌شد و در اطلاعیه آن هم تأکید شده بود: «برنامه اردو در این مرحله صرفاً انجام امور خدماتی و کارهای یدی است». در واقع ما رفتیم که بیل بزینیم نه اینکه شعر بخوانیم. کار ما در واقع پاکسازی شهر بود از گل و لای و خرابی‌ها.

دستگاه‌های اجرایی و خدماتی از ابتدا در منطقه بودند و کارشان را می‌کردند. علاوه بر آن گروه‌های مردمی و جهادی زیادی در این چند روز خود را برای کمک به منطقه رسانده بودند. ما هم گروهی بودیم که با تأخیر چند روزه عازم می‌شدیم. از پنجشنبه ۲۲ تا یکشنبه ۲۵ فروردین ۱۳۹۸.



مجازآباد

شانستان خوب بود



صفحه اینستاگرام «سنان‌نگار» روایت جالبی از دیدار رهبری از نمایشگاه کتاب را منتشر کرده است. این صفحه اینستاگرامی نوشته است: «وزیر توضیح داد که انتشارات فرهنگ معاصر ناشر تخصصی فرهنگنامه است و به تتهایی به اندازه یک فرهنگستان خصوصی کار می‌کند. آقا کتاب «فرهنگ آوایی فارسی» را تفرقی کردند و گفتند «اینجا در متن «پلاست» را حرکت‌گذاری کرده است ولی اشتباه است. بلاست درست نیست، پلاست باید ثبت می‌شد!» بعد با خنده‌ای به غرفه‌دار گفتند: اشتباه کتابتان را هم گرفتیم. شانستان خوب نبود!»

حرف درمانی



در چند روز اخیر شبکه‌های اجتماعی پر شده از ویدئوهایی از دانش‌آموزانی که آهنگ یکی از خواننده‌های آن‌ورایی را همراه با معلمان خود می‌خوانند! سیدعلیرضا آل‌داوود پژوهشگر فضای مجازی با هشتگ #جریان_نفوذ در این باره نوشته است: «قدم سازمان‌یافته ساختن شو در مدارس با آهنگ غیراخلاقی ساسی مانکن و پخش گسترده در فضای مجازی واقعا ناراحت‌کننده بود! این اقدام زشت تأثیر فضای مجازی راها شده و وجود نفوذ جریانی در بنده اجرایی کشور را بیش از پیش نشان داد. تا دیر نشده به‌جای حرف درمانی، اقدام عملی جدی بر ضد جریانی نفوذ باید کرد!»

آقای رئیس، بسم الله!



مدتی است که گرانی تن ماهی و ماکارونی سوزده فضای مجازی شده است و کاربران برای افرای این اقلام، در فضای مجازی هشتگ می‌زنند. یکی از کاربران در این باره نوشته است: «تن ماهی ۶۰ درصد گرون شده، اتفاق ویژه‌ای هم نیفتاده که بگیرم علت این گرونی، مثلاً کمبود ماهی تن بوده! کاشف به عمل آمده که علت گرونی، تنی چند برند خاص تن ماهی برای عرضه کم به بازار، آن هم در آستانه ماه رمضان، تکلیف حکومت اسلامی با چنین کارخانه دارهای ظالمی معلومه، آقای رئیس، بسم‌الله.»

دوغ و دوشاب



سیدمحمود رضوی با انتشار تصویری از سربال «شرایط خاص» در اینستاگرامش نوشت: «دو سه سالی است که دیگر برای سیما دوغ و دوشاب تفالوتی ندارد، سربال‌ها را کیلویی برآورد می‌کنند، کاری هم با کیفیت ندارند. این وسط برخی سربال‌ها حکم کمیاب را دارند، تهیه‌کنندگان آن برای جذب مخاطب در این شرایط کمبود بودجه و نبود نقدینگی درست، تلاش کرده‌اند تا چه از نظر فیلمنامه و چه از نظر بازیگر و چه از نظر تعداد لوکیشن و... معجزاتی خلق کنند. شگفته قیمت آخر سربال شرایط خاص بخش شد، کاری که هم در جذب مخاطب موفق بود و هم توانست در مضمون و محتوا موفق عمل نماید.»

روستاگردی

یک روستا بهار نارنج

رقیه توسلی: آفتاب غروب کرده زدیم به دل جاده و گفتیم هر جا که طیارهمان راه کج کرد، همانجا بشود محل گردشمان. ۱۱ کیلومتر دور نشدیم از ساری که وسیله نقلیه بردمان سمت قریبای به نام «ماچک پُشت». آنجا که صدای قورقور قوریاغه‌ها تا دل‌تان بخواهد بلند بود... بلند بلند... از این قورقورهای روی اعصاب نه... آن‌ها که یکی شروع می‌کرد، بعدی جوابش می‌داد. همزمان بوی بهار نارنج بیچید توی مخفی‌ترین دالان سسرمان. اصلاً نارنج شمال را اگر بوییده باشی می‌داند چه می‌گویم. عطرش رحم ندارد! زهر لحاظ روستا مثل مادر بزرگ‌ها

آنجا که دستمان آمد لوجه‌ها تا یکی دو هفته دیگر حسابی چاقی و چله می‌شوند و محلی‌ها هنوز دبه‌های شیر معامله می‌کنند و جوانان به جای کافه - چندمتری خزان‌های برنج - بستنی خوران راه می‌اندازند و زیر تیر برق‌های کم نور دستمان آمد گریه‌ها در دهات هم برویایی دارند. به‌واقع زندگی در روستا، رمز و رموز و دلنشینی‌های خودش را دارد که باید کشف شود. و چه بگویم از سرمستی و شیطنت بهار که یکی دو تان نیست... از نخستین باری که دوست داشتیم در روستایی تاریک و روشن، بالای سَر آبندان هشتاد هکتاری پرماهی بایستیم و با فریاد از اردیبهشت جادوگر تشکر کنیم. سولی خُبار برنج‌ها و لوجه‌ها و مردمان «لیلی محله» و «پل‌بیر» و «چفت‌سر» و «غوزباغ» خجالت‌کشیدیم.

دوست‌داشتنی بود. مهربان، پُر قصه، رنگارنگ. از دغدغه شهر خبری نبود. آنجا، غارها و اردک‌ها را داشتند از چرا برمی‌گرداندند و گوسفندان را هم می‌کردند سمت آغل. پل کم عرض روستا را پشت سر گذاشتیم و دیدیم زنان روستایی چوچان نیاکشان دیگر آن قدرها هم نان نمی‌پزند و خندان ایستاده‌اند توی صف بربری! چراغ‌های مسجد کم کمک روشن می‌شد و تراکتور گلی از شالیزار برمی‌گشت در معیت مردان خسته کلاه به سَر. عصرمان زیبا و متفاوت شد با رفتن به «ماچک پُشت». آنجا که نصف شالیزارها، نشا شده و نصفشان هنوز زمین شخم خورده بی‌بذر بودند.



به بهانه اعتراضات دانشجویی

در جلسه نقد و بررسی «عصر جدید»

سلبریتی زدگی

برنامه «عصر جدید» ساخته «حسان علیخانی» از روزهای ابتدای پخش خود، مورد انتقاد و تحلیل دانشگاهیان و متخصصان ارتباطات و رسانه قرار گرفت. تحلیل‌های این برنامه در روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های مختلف و همچنین در صفحات اینستاگرام دانشجویان رشته‌های ارتباطات و علوم اجتماعی مطرح می‌شد. در ادامه جریان نقدها، در روز ۱۴ اردیبهشت نشست نقد و بررسی «عصر جدید» در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران برگزار شد. در این برنامه استادان ارتباطات دانشگاه تهران در کنار احسان علیخانی و تو تن از داوران «عصر جدید» آریا عظیمی‌نژاد و دکتر سید بشیر حسینی حاضر شدند و به تحلیل این برنامه پرداختند. این جلسه اما با جنجال‌های زیادی همراه شد که آن را از فضای نقد سازنده و علمی خارج و به محفل‌ی برای اهداف و تسویه‌حساب‌ها تبدیل کرد.

عده‌ای از دانشجویان از این جلسه برای بیان اعتراضات سیاسی و اجتماعی کلان‌تر خود استفاده کردند. اعتراضاتی که ربط مستقیمی به «عصر جدید» نداشت. در حقیقت این دانشجویان از فضای رسانه‌ای شده که با حضور سلبریتی‌هایی مثل احسان علیخانی ایجاد شده بود، برای بیان اعتراضات خود استفاده کردند تا از این راه صدای خود را در جامعه و رسانه‌ها منعکس کنند. این اتفاق، نشانه قابل تأملی است از کمبود فضاهای صحیح نقد، اعتراض و اظهارنظر در کشور. اگر بسترهای نقد اجتماعی و سیاسی در چارچوب رسانه‌های متنوع در کشور فراهم باشد و اندیشه‌ها و رویکردهای متفاوت فکری، فضایی برای ابراز عقیده و شنیده شدن داشته باشند، دانشجویان از یک جلسه علمی برای بیان نظراتشان سوءاستفاده نمی‌کنند. اگر رسانه‌ها به‌جای تخصصی‌ای و شنختی بودن، بازتاب‌دهنده سدهای متکثر جامعه باشند، کمتر با رفتارهای افراطی و خشم‌آلود اینچنینی روبه‌رو خواهیم بود. علاوه بر جنجال‌هایی که توسط عده‌ای از دانشجویان معترض ایجاد شد، این جلسه حاشیه‌های دیگری نیز داشت. سید محسن حسینی که خود نیز دکترای علوم ارتباطات دارد و فردی دانشگاهی و عضو هیئت مدیره بود، شدت مورد نقد دانشجویان واقع شد. این نقدها در بعضی موارد بیجا، درست و علمی بود و در مواردی نیز به دعواها و کل‌کل‌های ایدئولوژیک، سیاسی و بین‌دانشگاهی اختصاص داشت. حسینی به عنوان دانش آموخته دانشگاه امام صادق(ع) نیز کنایه‌ها و انتقاداتی را به دانشجویان و استادان دانشگاه تهران مطرح کرد و به‌طور کلی دانشگاه‌ها را بی‌خاصیت نامید که در آن‌ها حرف‌های صد تا یک‌گاز تاریخ گذشته زده می‌شود! او دانشگاه و دانشگاهیان را به وارد شدن به مسائل جامعه دعوت کرد. نقد حسینی به اهالی دانشگاه، نقد قابل تأملی است. دانشگاه که ایران دارای مشکلاتی است و به اندازه کافی زاینده، پویا و در خدمت جامعه نیست، دانشگاه دچار رخوت ناشی از مدرک گرایی، سلسله مراتب‌های دانشگاهی و روزمرگی است. اما آنچه در نقد دکتر حسینی مغفول واقع می‌شود، این است که همه استادان و دانشجویان به یک اندازه امکان حضور فعال در عرصه‌های اجتماعی و رسانه‌ای را ندارند. البته دانشجویان نیز به دکتر حسینی انتقادهای جدی داشتند، آن‌ها حضور ایشان را در برنامه‌ای که کاملاً سبکی غربی دارد و کبی و تقلید از یک برنامه آمریکایی است، در تناقض با دیدگاه‌های وی درباره غرب و فرهنگ غرب دانستند. البته انتقاد آن‌ها جدا از شخص دکتر حسینی، به تلویزیون به عنوان بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین رسانه کشور، انتقاد درستی است. تلویزیون در عین حال که شعراهای ضدغرب دارد اما در عمل و در برنامه‌های خود، به کبی‌کاری از برنامه‌های تلویزیونی غربی می‌پردازد. برنامه‌هایی که در بطن خود، فقط به هیجان‌های خنده و سرگرمی‌های لحظه‌ای اختصاص دارد و کمتر افراد را به تأمل، اندیشه و حل مسئله وامی‌دارد. این نقد به تلویزیون در بخشی از سخنان دکتر عبدالله چچرانلو که یکی از استادان حاضر در جلسه بود نیز مطرح شد؛ وی به این نکته اشاره کرد که تلویزیون قرار بوده دانشگاه باشد، اما به سیرک تبدیل شده است! نقد وی به یکسویه بودن استعدادهای راه‌یافته به این برنامه بود. اینکه فقط استعدادهایی نظیر شهیددبازی و استندآپ کمدی و غیره در این برنامه حضور دارند، مسئله قابل توجهی است و بررسی‌هایی که ایجاد می‌کند این است که استعدادهای دیگر شامل خیل عظیم دانش‌آموختگان رشته‌های مهندسی، علوم پزشکی و علوم انسانی کجا هستند و چرا امکان دیده شدن و کشف شدن در تلویزیون برای آن‌ها فراهم نیست؟ استعدادهایی که کشف آن‌ها می‌تواند به‌مراتب برای حل مسائل کشور مفیدتر باشد، اما تلویزیون تمام توجه خود را به کشف استعدادهای سرگرم‌کننده اختصاص داده است.

نقد مهم دیگری که در این جلسه به تلویزیون به طور کلی و عصر جدید به‌طور خاص وارد شد، سلبریتی‌زده شدن تلویزیون بود. تلویزیون در برنامه‌هایی مانند «عصر جدید»، «روزهمی»، «خندوانه» و غیره از سلبریتی‌ها و افراد مشهور استفاده می‌کند تا مخاطب بیشتری را جذب کند. این امر سبب می‌شود که ساعت‌ها برنامه تلویزیونی به زندگی شخصی و بی‌اهمیت سلبریتی‌ها اختصاص یابد. اما بسیاری از موضوعات مهم‌تر و ارزشمندتر جامعه در تلویزیون طرح نشود. سلبریتی‌هایی که دانش و تخصص کافی در موضوعات ندارند، اما توسط رسانه پربیننده‌های خنده تلویزیون بیش از پیش به مرجع فکری و سلیقه‌ای جامعه تبدیل می‌شوند. در انتها نیز انتقادهای دیگری از جمله سلیقه‌ای بودن داوری‌ها، وجود نگاه‌های تحقیرآمیز به افرادی که از شهرها و روستاهای کشور به این برنامه می‌آیند و کم بودن حضور شرکت‌کننده‌های خانم در این برنامه نیز توسط دانشجویان مطرح شد.

خبر

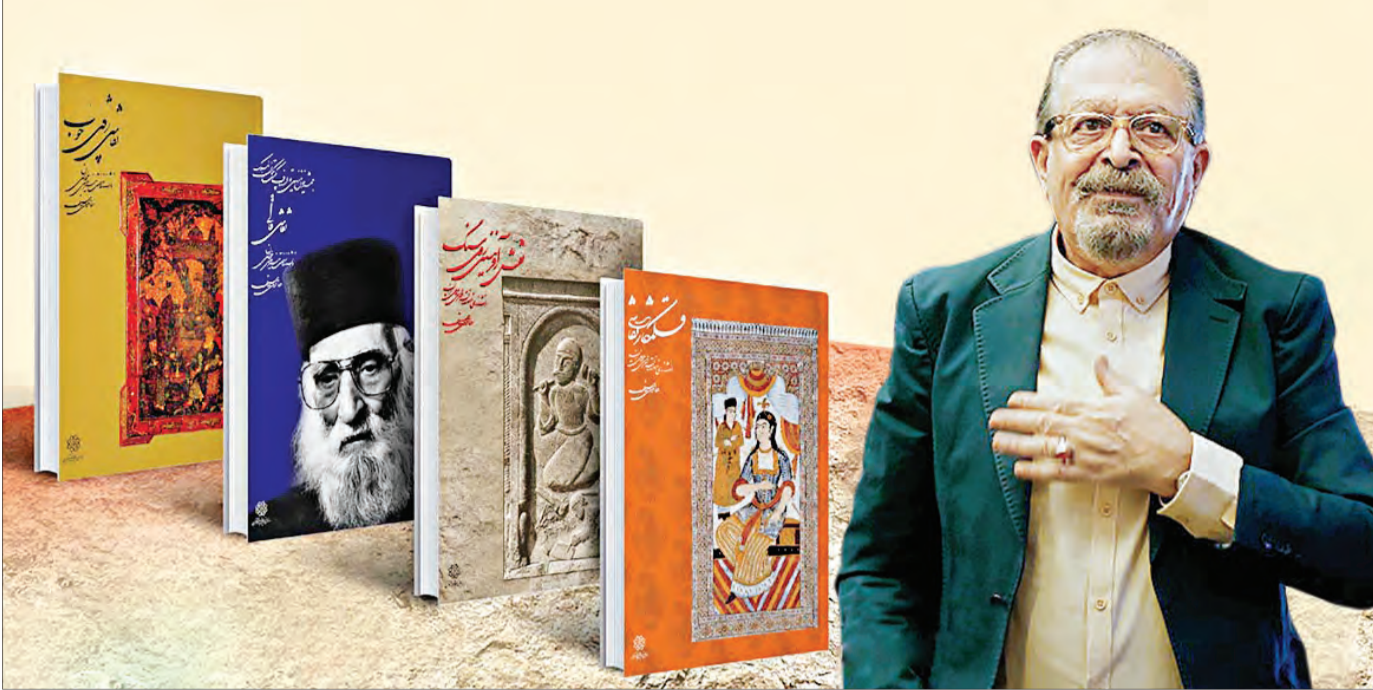
فیلم‌های اکران عید فطر مشخص شدند

فرهنگ و هنر: غلامرضا فرجی، مستندگویی سنواری صنفی نمایش بیان کرد.اکران «ما همه با هم هستیم» به کارگردانی کمال تبریزی برای عید فطر ثبت شد.

همچنین قرارداد «سرخوست» به کارگردانی نیما جاویدی بعد از «خانه دیگری» در این گروه سینمایی بسته شده است. فرجی در پایان گفت: در سرگروه استقلال بعد از فیلم «غلامرضا تختی» قرارداد فیلم «وکیل مدافع» به کارگردانی سلما بابایی ثبت و این فیلم از چهارشنبه ۱۸ اردیبهشت ۹۸ اکران و بعد از آن قرارداد فیلم «شبی که ماه کامل شد» به کارگردانی نرگس آبیار برای اکران عید فطر ثبت شد. همچنین در سرگروه باغ کتاب قرارداد فیلم «سماورایی در برلین» به کارگردانی مهدی نادری بسته شد که از چهارشنبه ۱۸ اردیبهشت ۹۸ اکران می‌شود.

گفت‌وگو با هادی سیف، مورخ نقاشی قهوه‌خانه‌ای و مؤلف «دانشنامه هنرهای مردمی ایران»

تمدنی در همسایگی هنر



◆ همه تلاش‌ها و فعالیت‌های شما در حوزه پاسداشت هنرهای سنتی ایرانی به صورت مکتوب بوده است. کتاب چقدر می‌تواند در مانایی ایسن هنر‌ها کمک کند در حالی که بسیاری از این هنر‌ها از بین رفته‌اند و مردم در زندگی روزمره مشان مواجهه‌ای با آن ندارند.

در عرصه هنر دو دیدگاه وجود دارد؛ هنرهای رسمی و شناخته شده که در هر سرزمین و هر کشوری مورد تحقیق محققان هر سرزمین قرار می‌گیرد. دسته دوم هنرهایی هستند که با زندگی مردم عجین بوده است که من در دانشنامه‌ای که تا این لحظه آن را تدوین کرده‌ام به این هنرهای سنتی ایران پرداخته‌ام و اسمش را گذاشتم «هنرهای مردمی ایران». یعنی هنرهایی که به خانه‌های پدری و بناهای عمومی می‌آید؛ چه در عرصه معماری و چه در زندگی روزمره ما. کاری که من به بضاعت خردم انجام دادم این بود که نخستین بار وارد عرصه‌ای شدم با عنوان تحقیق درباره هنرهایی که زمانی در تاروپود زندگی روزمره ما عجین شده بود و پس از نیمه دوم قرن ۱۴ با توجه به تمایل مردم به زندگی فرنگی، جامعه‌ای از این هنر‌ها فاصله گرفت و این هنر‌ها بتدریج منزوی شدند. من در مجموعه «دانشنامه هنرهای مردمی ایران» به همه وجوه هنرهایی که در آدین معماری سنتی خانه‌های ایرانی وجود داشت، پرداخته‌ام. هنرهایی مانند معماری سنتی، پارچه‌های قلمکار، پوشش، اسباب و لوازم زندگی، آذین‌ها و نقاشی‌ها، گچبری، آیینه‌کاری، نقاشی روی کاشی، نقاشی پشت شیشه، نقاشی بر بگوند، بنابراین جز با مدد از مردم و خاطرات آن‌ها ما نمی‌توانیم آخرین نسل‌ها را ثبت و ضبط کنیم. ورود به محله‌های قدیمی و استفاده از خاطره‌ها و گفت‌وگوهایی که انجام می‌شود می‌تواند دستمایه تدارک یک تألیف دلخواه و ادای دینی شایسته باشد.

امروز برایم اهمیت داشت. جوان هنرمندان امروز باید بلدند در روزگاری هنرمندان مردم در فروتنی و گمنامی هنسر می‌آفریدند و هر خانه پدری مانند موزه‌ای بود که با استفاده از این هنر‌ها ارزش هنر و هنرمندان را حفظ می‌کرده است. خوشبختانه این مسئله تا حد زیادی با انتشار این کتاب‌ها محقق شد و آشنایی نسل امروز با هنر سنتی فراموش شده ایرانی دیروز به وجود آمد.

◆ چطور به جمع آوری مستندات درباره یک هنر می‌پردازید؟

بدون تحقیق میدانی جمع‌آوری مستندات امکان ندارد. در هر شهر، وارثان و نابیان هنری هستند که تاریخ هنرهای فراموش شده شهرشان را بخوبیند. بنابراین جز با مدد از مردم و خاطرات آن‌ها ما نمی‌توانیم آخرین نسل‌ها را ثبت و ضبط کنیم. ورود به محله‌های قدیمی و استفاده از خاطره‌ها و گفت‌وگوهایی که انجام می‌شود می‌تواند دستمایه تدارک یک تألیف دلخواه و ادای دینی شایسته باشد.

◆ تدوین دانشنامه هنرهای مردمی ایران را به تنهایی انجام می‌دهید یا تیم شخصی برای تألیف آن وجود دارد؟

معمولاً این نوع تحقیقات از نظر نوشتاری و

هنرهای سنتی ایرانی است. از او به عنوان نخستین نویسنده و مورخی نام می‌برند که به پژوهش و نگارش کتاب درباره نقاشی قهوه‌خانه‌ای ایران اقدام کرده است.

از میان کتاب‌های منتشر شده سیف می‌توان به این عناوین اشاره کرد: «نقاشی قهوه‌خانه»، «نقاشی روی کاشی»، «سر در بقعه امامزاده شاهزاده غرب شیراز، میراث ارزشمند نهضت کاشی‌نگاران گمنام شیرازی»، «چلچراغی در تاریکی: یادمان استاد علی اکبر صنعتی، نقاش و مجسمه‌ساز»، «نقاشی خیالی‌ساز مردم کوچه و بازار: سوتهدلان نقاش»، «نقاشی پشت شیشه»، «مینا و پلنگ»، «مارجان»، «محراب گچبری و نقاشی مسجد اولجایتو در جامع عتیق اصفهان»، «شور عشق: مروری بر نقاش سید علی‌اکبر صنعتی پیکره‌ساز و نقاش شوریده» و «جهانی هنر در ساقف سقفا تالار آیینه عمارت نارنجستان شیراز» نام برد.

گفت‌وگوی ما با این پژوهشگر را در ادامه می‌خوانید.

◆ چرا هنری مثل نقاشی قهوه‌خانه‌ای از بین رفت؟

مهم‌ترین علت، تغییر سبک زندگی مردم بود. بافت قدیمی شهرها و کوچه‌های تنگتنگ سبب می‌شد مردم غروب‌ها به قهوه‌خانه‌ها بروند و خستگی از تن به در کنند. حضور مداحان و نقالان اوقات خوشی را برای آن‌ها رقم می‌زد، اما در سبک جدید زندگی تلویزیون جایگزین نقالان شد؛ شهرها بزرگ شد و رستوران و کافه جای قهوه‌خانه‌ها را گرفت.

در قهوه‌خانه نقال از رستم حرف می‌زد و نقاش اجتماعی برای حضور نقاش قهوه‌خانه‌ای مهیا بود و مردم هم طالب این پرده‌ها و این خوانش‌ها بودند. اما امروزه فناوری جدید و ارتباط‌های وسیع بر این هنر‌ها سایه انداخته است، اما من همچنان امیدوارم در آینده‌ای نزدیک نقاشی قهوه‌خانه‌ای تبدیل به مکتب ماندگاری شود.

◆ در تدوین دانشنامه تأکید شما بر هنر ایرانی و معرفی هنر گمنام و فراموش شده ایرانی است یا هنرمندان ایرانی؟

این دو به یک اندازه اهمیت دارند و جدا از یکدیگر نیستند. نقاش خیالی‌ساز (قهوه‌خانه‌ای) هم خودش گمنام است و هم اثرش. هنر و هنرمند توأمان به دست فراموشی سپرده می‌شود و در حقیقت این گمنامی هم شامل هنرمند است و هم هنر. وقتی حجاران را معرفی می‌کنیم، نخستین کسی چیزی که از بین رفته خود سنگ و نقس معماری ایران است

◆ هنر‌ها چگونه انتخاب می‌شوند، چون بسیاری از آن‌ها از بین رفته‌اند؟

بله، این پرسش بسیار اهمیت دارد. ورود به یک خانه قدیمی پدری شاخه‌های تحقیق را مشخص می‌کند. مثلاًنقش آفرینی‌هایی بر سنگ، نقاشی بر

◆ صفحات برخی بازیگران در فضای مجازی، دنبال‌کننده‌های چند میلیونی دارد که جامعه مخاطب وسیعی را تشکیل می‌دهد و در حد یک رسانه فراگیر غیررسمی است. آیا دامنه‌ای برای اظهار نظرهای این افراد وجود دارد؟

اگر قرار است که در پدیده‌های اجتماعی، سلبریتی فرهنگ و اجتماع را تعریف کند، بایستی برای او محدودیت قائل شد اما معتمد که سلبریتی، خودش جزئی از فرهنگ و اجتماع است یعنی اگر کار فرهنگی بدرستی در جامعه انجام شود، آنجاست که سلبریتی با محدودیت خودش روبه‌رو می‌شود. مثلاً لیونل مسی یک صفحه در اینستاگرام دارد که پست‌های او یا ورزشی است یا خانوادگی و جز این دو چیزی در صفحه‌اش نمی‌بینید اما مسی برای حضور در فضای مجازی، آموزش می‌بیند. وقتی قرار است با باشگاه بارسلونا قرارداد ببندد به او می‌گویند که تو شخصیت حقوقی پیدا کرده‌ای که دربرابر آن مسئولی، این مسئولیت برای او ایجاد محدودیت می‌کند. قبل از اینکه قرار باشد سلبریتی‌ها را محدود کنیم باید سراغ اصناف آن‌ها برویم

آیا بازیگر، هویت حقوقی دارد یا نه؟ آیا برای حضور اجتماعی آن‌ها، قواعد و چارچوبی وجود دارد یا نه؟ این مسائل باید بررسی شود. زمانی ترس اجتماعی ایجاد می‌شود که هیچ تعریف و مرزی وجود نداشته باشد در حالی که قوانین شهروندی دارای حدود و مرزهایی است.

◆ در شرایطی که ضعف آموزش سواد رسانه‌ای را در همه اقشار

احتیاج به دستیار ندارد و من به تنهایی کار مصاحبه، تدوین، پژوهش و تألیف را انجام می‌دهم. البته پس از نوشتن، کتاب توسط ویراستار، ادیتور و مصمم چاپ‌خوانی و پیرایش می‌شود. اما تفکر پیاده کردن تحقیقات و تألیف اثر بر عهده خردم است و به شخصه این کار را انجام می‌دهم.

برش

◆ چطور به جمع آوری مستندات درباره یک هنر می‌پردازید؟

بدون تحقیق میدانی جمع‌آوری مستندات امکان ندارد. در هر شهر، وارثان و نابیان هنری هستند که تاریخ هنرهای فراموش شده شهرشان را بخوبیند. بنابراین جز با مدد از مردم و خاطرات آن‌ها ما نمی‌توانیم آخرین نسل‌ها را ثبت و ضبط کنیم. ورود به محله‌های قدیمی و استفاده از خاطره‌ها و گفت‌وگوهایی که انجام می‌شود می‌تواند دستمایه تدارک یک تألیف دلخواه و ادای دینی شایسته باشد.

◆ تدوین دانشنامه تأکید شما بر هنر ایرانی و معرفی هنر گمنام و فراموش شده ایرانی است یا هنرمندان ایرانی؟

این دو به یک اندازه اهمیت دارند و جدا از یکدیگر نیستند. نقاش خیالی‌ساز (قهوه‌خانه‌ای) هم خودش گمنام است و هم اثرش. هنر و هنرمند توأمان به دست فراموشی سپرده

می‌شود و در حقیقت این گمنامی هم شامل هنرمندان است و هم هنر. وقتی حجاران را معرفی می‌کنیم، نخستین چیزی که از بین رفته خود سنگ و نفس معماری ایران است، این‌ها آذین‌های معماری ایران هستند که هر دو به یک اندازه اهمیت دارند و هر دو سوزوار تحسین هستند.

◆ علت علاقه شما به زنده کردن هنرهای سنتی ایرانی و نوشتن این دانشنامه چه بود؟

اول بگویم ناشران این عنوان‌ها همگی دولتی هستند، چون کتاب‌ها نفیس است و کمتر ناشر خصوصی در شرایط بحران کاغذ به سمت انتشار این آثار می‌رود. انتشار این کتاب‌ها سبب می‌شود این هنرهای فراموش شده آرام آرام هویت جدیدی پیدا کنند و این آشنایی کشش ایجاد می‌کند. وقتی حروفچین می‌خواست کتاب نقاشی پشت شیشه را تایپ کند، او می‌نوشت: «روی شیشه» و من می‌گفتم: بنویس، پشت شیشه! یعنی آن قدر این هنر غریب بود که حروفچین فکر می‌کرد «نقاشی پشت شیشه» اشتباه نوشتاری است. اما در علاقه‌مند شدن به این هنر‌ها مدیون پدرم هستم؛ زنده‌یاد استاد علی‌صفر سیف که معلم من بودند و جسدا از مقام پدری مقتدای من هم بودند و از کودکی هنر، تحقیقات و پژوهش‌های او سبب علاقه‌مندی من به پژوهش در هنرهای سنتی ایران و غور و تأمل در آن شد.

◆ از میان کتاب‌هایی که منتشر شد کدام کتاب و تحقیق در خصوص کدام هنر سبب شد به ادامه کار مصمم شوید و انتشار آن انگیزه‌ای برای ادامه کار شد؟

تقریباً همه عناوین دانشنامه به چاپ‌های متعدد رسیده و مورد اقبال قرار گرفته است. اما بی‌تردید شروع تحقیق من با موضوع نقاشی قهوه‌خانه زنگ بیدارباشی برای من بود تا به سراغ سایر هنر‌ها برویم. انتشار این کتاب بر کات و ثمرات بسیاری داشت که همین من را به ادامه کار مصمم می‌کرد. در دانشکده‌های هنر بسیار بیش از ۵۰ دانشجوی تحقیقاتشان را با موضوع نقاشی قهوه‌خانه‌ای ارائه دادند و نقاشی قهوه‌خانه امروز دوباره مورد توجه قرار گرفت. افسوس که خالقان این هنر از دنیا رفته‌اند و من همه این توفیقات را نتوانم انتشار آن کتاب‌ها می‌دانم. به دلیل همین توجه و استقبال پس از کتاب نقاشی قهوه‌خانه، کتاب «سوتهدلان نقاش» را نوشتم که به زندگی نقاشان قهوه‌خانه می‌پردازد.

◆ چرا هنری مثل نقاشی قهوه‌خانه‌ای از بین رفت؟

مهم‌ترین علت، تغییر سبک زندگی مردم بود. بافت قدیمی شهرها و کوچه‌های تنگتنگ سبب می‌شد مردم غروب‌ها به قهوه‌خانه‌ها بروند و خستگی از تن به در کنند. حضور مداحان و نقالان اوقات خوشی را برای آن‌ها رقم می‌زد، اما در سبک جدید زندگی تلویزیون جایگزین نقالان شد؛ شهرها بزرگ شد و رستوران و کافه جای قهوه‌خانه‌ها را گرفت.

در قهوه‌خانه نقال از رستم حرف می‌زد و نقاش اجتماعی برای حضور نقاش قهوه‌خانه‌ای مهیا بود و مردم هم طالب این پرده‌ها و این خوانش‌ها بودند. اما امروزه فناوری جدید و ارتباط‌های وسیع بر این هنر‌ها سایه انداخته است، اما من همچنان امیدوارم در آینده‌ای نزدیک نقاشی قهوه‌خانه‌ای تبدیل به مکتب ماندگاری شود.

◆ مجلدها و عناوین این دانشنامه تا چه زمان ادامه می‌یابد؟

من روزی ۱۴ ساعت کار می‌کنم و از آنجا که هنر ایرانی بی‌نهایت است تا زمانی که قلم از دستم نیندهد، به پژوهش درباره هنرهای سنتی ایرانی ادامه خواهم داد.

گفت‌وگو

گفت‌وگو با یک پژوهشگر روان‌شناسی اجتماعی درباره پدیده ستاره‌های عامه‌پسند

مطالب مردمی می‌تواند سلبریتی‌ها را مدیریت کند



خطی که یکی حرف بزند و یکی قبول کند، در عصر کنونی، از بین رفته است. آیا از بازخوردها و واکنش‌های مردمی که در زیر پست‌های یک سلبریتی گذاشته می‌شود می‌توان به تأثیر حرف و اظهار نظر آن‌ها در جامعه بی برد؟ سلبریتی‌ها در رفتارسازی اجتماعی، الگوی دهم به مدل شدند و نقش الگوسازی که خانواده و مدرسه و محیط کار و حتی فضای شهروندی دارد بسیار بیشتر از سلبریتی است. اگر روی الگوپذیری الگوهای اولیه کار شود، الگوی دهم کمرنگ می‌شود. اگر چنین فضایی ایجاد شود، سلبریتی دیده نمی‌شود که بخواد اثرگذار. در چنین شرایطی، ترسیدن از سلبریتی معنایی ندارد. اگر با تسامح، سلبریتی را با الگو هم‌تراز بدانیم زندگی ما مملو از سلبریتی است. تا زمانی که روی مفاهخ فرهنگی مانور ندهیم و فرزندان ما آثاری همچون شاهنامه را نخوانند، معلوم است که می‌روند پست و کامنت‌های یک بازیگر را می‌خوانند، از چنین فضایی باید ترسید. البته گاهی حرف زدن سلبریتی‌ها به معنای تخریب خودشان است پس بهتر اینکه اجازه بدهیم آن‌ها حرف بزنند تا مردم ببینند که عده‌ای طبل توخالی هستند.

◆ صفحات برخی بازیگران در فضای مجازی، دنبال‌کننده‌های چند میلیونی دارد که جامعه مخاطب وسیعی را تشکیل می‌دهد و در حد یک رسانه فراگیر غیررسمی است. آیا دامنه‌ای برای اظهار نظرهای این افراد وجود دارد؟

اگر قرار است که در پدیده‌های اجتماعی، سلبریتی فرهنگ و اجتماع را تعریف کند، بایستی برای او محدودیت قائل شد اما معتمد که سلبریتی، خودش جزئی از فرهنگ و اجتماع است یعنی اگر کار فرهنگی بدرستی در جامعه انجام شود، آنجاست که سلبریتی با محدودیت خودش روبه‌رو می‌شود. مثلاً لیونل مسی یک صفحه در اینستاگرام دارد که پست‌های او یا ورزشی است یا خانوادگی و جز این دو چیزی در صفحه‌اش نمی‌بینید اما مسی برای حضور در فضای مجازی، آموزش می‌بیند. وقتی قرار است با باشگاه بارسلونا قرارداد ببندد به او می‌گویند که تو شخصیت حقوقی پیدا کرده‌ای که دربرابر آن مسئولی، این مسئولیت برای او ایجاد محدودیت می‌کند. قبل از اینکه قرار باشد سلبریتی‌ها را محدود کنیم باید سراغ اصناف آن‌ها برویم

آیا بازیگر، هویت حقوقی دارد یا نه؟ آیا برای حضور اجتماعی آن‌ها، قواعد و چارچوبی وجود دارد یا نه؟ این مسائل باید بررسی شود. زمانی ترس اجتماعی ایجاد می‌شود که هیچ تعریف و مرزی وجود نداشته باشد در حالی که قوانین شهروندی دارای حدود و مرزهایی است.

◆ در شرایطی که ضعف آموزش سواد رسانه‌ای را در همه اقشار